



The empowerment requirements of civil society in strengthening Iran's participatory criminal policy

Azim AliArab¹, Mahdi Khaghani Esfahani^{2*}, Seyed Mahmoud Majidi³

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law and Jurisprudence, The Institute for Research and Development in Humanities (SAMT), Tehran, Iran.
3. Assistant Professor of Law, Damghan University, Damghan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 121-139

Article history:

Received: 30 Oct 2021

Edition: 29 Nov 2021

Accepted: 19 Feb 2022

Published online: 27 Feb 2022

Keywords:

Criminal Policy, Government, Civil Society, Participatory Criminal Policy, Crime Prevention

Corresponding Author:

Mahdi Khaghani Esfahani

Address:

Department of Law and Jurisprudence, The Institute for Research and Development in Humanities (SAMT), Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0003-2782-6112

Tel:

09135731050

Email:

khaghani@samt.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Analysis of the use of the maximum available capacity of civil society elements in the Iranian people to strengthen participatory criminal policy is the subject of this study.

Materials and Methods: The method of this research is to describe the qualitative content and it has been written by collecting information from legal sources.

Ethical considerations: In this article, we have tried to observe the originality of the texts, honesty and trustworthiness.

Results: The participation of civil society removes the criminal justice system from its mere formality and reduces the volume of formal judiciary so that it can improve the efficiency of the criminal justice system in areas such as crime prevention and efficient fight against the overall crime rate.

Conclusion: Involvement of criminal policy means distancing oneself from the policy of pure repressive and governmental criminal law and the presence of civil society in all legal stages and processes that can work with official institutions, the judiciary, criminals and victims in resolving legal disputes and implementing measures. Various crime prevention plans have a role and intervention.

Cite this article as:

AliArab A, Khaghani Esfahani M, Majidi SM. The empowerment requirements of civil society in strengthening Iran's participatory criminal policy. *Economic Jurisprudence Studies* 2021-2022; Review on New Researches of Jurisprudence and Law.



مطالعات فقه اقتصادی

ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق ۱۴۰۰



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۱۴۰۰

بایسته‌های توان‌افزایی جامعه مدنی در تقویت سیاست جنایی مشارکتی ایران

عظیم علی‌عرب^۱، مهدی خاقانی اصفهانی^{۲*}، سید محمود مجیدی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق و فقه، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تحلیل کاربست حداکثر ظرفیت موجود عناصر جامعه مدنی در مردم ایران برای تقویت سیاست جنایی مشارکتی، موضوع این پژوهش است.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش حاضر توصیف محتوای کیفی است و با جمع‌آوری اطلاعات از منابع حقوقی نگاشته شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله سعی شده است ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شود.

یافته‌ها: مشارکت جامعه مدنی، نظام دادرسی کیفری را از رسمی‌بودن محض خارج می‌سازد و از حجم قضاگرایی رسمی می‌کاهد تا بدین وسیله بتواند کارایی دستگاه عدالت کیفری را در حوزه‌هایی چون پیشگیری از جرم و مبارزه کارآمد با نرخ کلی جرایم ارتكابی ارتقا بخشد.

نتیجه: مشارکتی‌شدن سیاست جنایی به معنای فاصله گرفتن از سیاست کیفری سرکوب‌گرانه و دولتی محض و حضور جامعه مدنی در کلیه مراحل و فرایندهای حقوقی است که بتواند در کنار نهادهای رسمی، دادگستری، بزهکاران و بزه‌دیدگان در حل و فصل منازعات حقوقی و اجرای تدابیر و طرح‌های مختلف پیشگیری از جرم نقش و مداخله داشته باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۹-۱۲۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸

واژگان کلیدی:

سیاست جنایی، دولت، جامعه مدنی، سیاست جنایی مشارکتی، پیشگیری از جرم.

نویسنده مسوول:

مهدی خاقانی اصفهانی

آدرس پستی:

ایران، تهران، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»، گروه حقوق و فقه.

تلفن:

۰۹۱۳۵۷۳۱۰۵۰

کد ارکید:

0000-0003-2782-6112

پست الکترونیک:

khaghani@samt.ac.ir

۱. مقدمه

امروزه بیش از هر زمانی از بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مردمی و نهادهای وابسته به بخش‌های خصوصی و جامعه مدنی سخن به میان می‌آید که قادرند در راستای پیشگیری از جرم که هدف اصلی سیاست جنایی است، به مدد نهادهای رسمی آمده و بر توانمندی‌های نظام حقوق کیفری حاکم بر اجتماع بی‌افزایند. راهبرد مشارکتی‌شدن سیاست جنایی اجمالاً به این واقعیت اشاره دارد که نهادهای دولتی و قضایی به تنهایی نمی‌توانند مانع رخداد جرم و انحرافات اجتماعی شده و با مجرای رخداد آنها مقابله کنند. هدف اصلی سیاست جنایی در جامعه پیشگیری از جرم و تربیت مجرمان است که فقط در چارچوب مشارکت همه نهادهای مدنی و مردمی در فرایندهای جنایی نظیر سیاست کیفری، پاسخ به رفتارهای مجرمانه و اجرای تدابیر پیشگیرانه اجتماعی و محیطی نمود عینی می‌یابد (جفرسون، ۲۰۱۳، ۱۶۲). تجربه حقوق کیفری کلاسیک و شکست مجازات‌های افراطی و سرکوب‌گر در امر مقابله با جرم و جنایت ثابت نمود که نه مجازات به تنهایی می‌تواند هنجارزا بوده و مانع از ارتکاب جرم شود و نه فقط محاکم دادگستری می‌توانند متولی مدیریت فرایندهایی چون رسیدگی به جرایم و اجرای تدابیر پیشگیرانه باشند. دولت هم به تنهایی نمی‌تواند در این راستا نائل به توفیق شود. لذا همسو با اسناد ارشادی و الزام‌آور سازمان ملل نظیر قواعد استاندارد سازمان ملل برای دادرسی جوانان و نیز کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته مصوب سال ۲۰۰۳، باید برای

جامعه مدنی هم در امر پیشگیری از جرم تعریف نقش و تکلیف نمود و از ظرفیت‌های آن بهره گرفت، وگرنه صرف اجرای مجازات‌های سنتی و کلاسیک نمی‌تواند در این زمینه دستاورد مطلوبی رقم بزند. سیاست جنایی مشارکتی با مبانی و چارچوب مفهومی خاص خود داعیه توجه به این رهنمودها را داشته و بستری حقیقی برای حضور هدفمند جامعه مدنی در این راستاست.

سوال اصلی مقاله این است که مبانی توجیهی و مستندات مشارکتی‌شدن سیاست جنایی در قوانین داخلی ایران به چه نحوی است؟ بدین ترتیب راهکارهای مشارکت مردم در سیاست جنایی مشارکتی مورد توجه پژوهش حاضر است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

شفیعی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله رویکرد سیاست جنایی در حمایت از حقوق اساسی ملت با تأکید بر مداخله دولت (حکومت) و جامعه مدنی، به این نتیجه می‌رسند که سیاست جنایی مشارکتی ماحصل نقش‌آفرینی مردم در نظام حقوقی و بهبود فرایندهای حقوقی است. عظیمیان و همکاران (۱۳۹۶) نیز در مقاله مشترکی با عنوان پراگماتیسم سیاست جنایی مشارکتی در قبال خشونت علیه زنان به این نتیجه می‌رسند که سیاست جنایی مشارکتی به معنای مداخله و نقش‌آفرینی مردم از جمله زنان باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی و پی بردن به انواع خشونت‌های پنهان و آشکار بر علیه زنان می‌شود که در نهایت منجر به مقابله با این تهدیدات خواهد شد. رضایی

۲. مواد و روش‌ها

روش پژوهش حاضر توصیف محتوای کیفی است و با جمع‌آوری اطلاعات از منابع حقوقی نگاشته شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله سعی شده است ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شود.

۴. یافته‌ها

در راستای برجسته‌سازی بستر منطق و طرز تصویری که صریحاً از اندیشه ضرورت مشارکتی‌سازی پیشگیری از جرم و نظام عدالت دفاع می‌نماید، بایستی خاطر نشان ساخت که واقعاً اگر مدل کلان نظام حاکم بر جامعه از اندیشه‌های جامعه‌ی برخوردار بوده و مسیر حضور و مداخله جامعه مدنی را در عرصه رتق و فتق بحران‌ها و معضلات اجتماعی با انسداد مواجه نسازد، می‌توان شاهد دستاوردهای ارزشمندی در عرصه پیشگیری از جرم در پرتو مداخله سازوکارهای بخش‌های غیررسمی و مردم‌نهاد جامعه بود، زیرا امروزه تجربه جوامع مختلف نشان داده است دولت هر چقدر هم مداخله‌گر و تک‌بعدی باشد، هرگز قادر نیست به تنهایی معضل هنجارستیزی و تکوین و توسعه نرخ جرایم و انحرافات را تدبیر نماید. این مسأله ریشه در ماهیت اجتماعی و انسانی پدیده جنایی دارد که حقیقت لزوم نظارت کنشگران نظام اجتماعی را بر فعل و انفعالات همدیگر، اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌دهد. حضور جامعه مدنی که خود یکی از

(۱۳۹۴)، نیز در مقاله نقش نهادهای مردمی در پیشگیری از جرم به ابعاد تأثیر مشارکت مردم در امور قضایی از جمله در مرحله پیشگیری اشاره می‌کند و با بررسی آثار این سیاست در کشورهای مختلف و نظام نوین کیفری، مدخلی برای توسعه نقش مردم در حیطه سیاست کیفری باز کرده است. محبی (۱۳۹۳) نیز در کتاب تحولات سیاست جنایی مشارکتی، از بُعد تاریخی و اجتماعی به بحث سیاست جنایی مشارکتی می‌پردازد که با برجسته کردن سویه دموکراتیک و مردمی در امور قضایی، بار دولت در زمینه رسیدگی به دعاوی را کاهش داده و باعث نقش‌آفرینی مردم و نهادهای مدنی شده است. جمشیدی (۱۳۹۰) نیز در کتاب سیاست جنایی مشارکتی، جنبه‌های مختلف سیاست جنایی مشارکتی و گونه‌های مختلف نظام‌های کیفری از جمله نظام کیفری عوام‌گرا، نظام عدالت کیفری نوین را بررسی می‌کند و با توجه به هزینه‌های مادی ناشی از سیاست‌های سنتی به سیاست جنایی مشارکتی به عنوان رویکرد جدیدی برای کاستن از هزینه‌های دولت و واگذاری امور به بخش خصوصی تأکید می‌کند.

پژوهش‌های ذکر شده هر یک به نحوی به مسأله مشارکت و سیاست جنایی مشارکتی توجه نشان دادند، اما پژوهش حاضر به دنبال آن است تا نقش جامعه مدنی و توان‌افزایی آن را در سیاست جنایی مشارکتی به بحث بگذارد.

مهم‌ترین ارکان سیاست جنایی قلمداد می‌گردد، کاملاً مدافع لزوم برقراری کاربست علمی نهاد مشارکتی‌سازی پیشگیری از جرم و نظام عدالت در پهنای نظام حقوقی می‌باشد. امروزه دیگر واقعیات جامعه جهانی هم‌سو با گفتمان طرفدار و توجیه‌گر ضرورت جامعوی‌تر شدن سیاست جنایی اقتضاء دارد که راهبرد مشارکتی‌سازی پیشگیری از جرم و نظام عدالت را بیش از پیش تجربه و اجرا نمود (کونانی و آماده، ۱۳۹۷، ۶). بدین ترتیب، صرف عدم حضور دولت و یا عقب‌نشینی آن در برخی حوزه‌ها کافی نیست، بلکه به موازات اتخاذ چنین راهبردی، بایستی به جامعه مدنی قدرت عینی مداخله اعطا نمود، در غیر این صورت صحبت از خصوصی‌سازی بیشتر در حد یک شعار و فضای احساسی باقی خواهد ماند. مضافاً اینکه، امکان اجرای راهبرد خصوصی‌سازی کاملاً تحت‌الشعاع نوع نظام سیاسی حاکم بر جامعه است و اگر یک نظام اجتماعی از فضا و رژیم سیاسی کاملاً اقتدارگرا یا اقتدارگرایی فراگیر برخوردار باشد، نمی‌توان آمیدی به امکان اجرای فرایند خصوصی‌سازی نهادهایی چون پیشگیری از جرم داشت. در ایران نیز قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین موضوعه ظرفیت‌های قابل توجهی برای اثرگذاری جامعه مدنی بر تقویت رویکرد سیاست جنایی مشارکتی دارا هستند.

۵. بحث

طرح و نهادینه‌شدن اندیشه مشارکتی‌سازی جهت پیشگیری از جرم و برقراری نظام عدالت، در

اندیشه‌های اسلامی و قرآنی نیز حائز اهمیت است. از جمله اینکه در اندیشه اسلامی استدلال می‌شود که انسان موجودی مدنی‌الطبع است (منتظری، ۱۳۷۹، ۱۸۷). این ظرفیت انسانی، وی را به مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی ترغیب می‌سازد. اسلام از مردم می‌خواهد که در امور نیک و صالح با یکدیگر همکاری کنند و از مشارکت در امور نادرست پرهیز کنند. راهنمای این توصیه، آیه شریفه است که می‌فرماید: «...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ». «و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید. و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمائید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!» (سوره مائده / آیه ۲). بر همین مبنا، انسان حق بهره‌مندی مشروع از نعمات الهی را دارد، و البته در برابر خدای خود نیز مسؤول است (مطهری، ۱۳۸۰، ۲۵۲). همین مسئولیت، نشانه ورود انسان به عرصه سیاست و اجتماع و بر عهده گرفتن مسئولیت در حوزه‌های مختلف است.

بر مبنای آموزه‌های اسلامی، مشارکت و تعاون مردمی منبع سرشاری برای تأمین و تضمین افراد در برابر گرفتاری‌ها و تنگدستی‌ها ایجاد می‌کند (هاشمی، ۱۳۹۳، ۵۰۰). این رویه در عرصه سیاست و اجتماع نیز خود را به خوبی نشان می‌دهد. در این معنا، مشارکت سیاسی به معنای فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست عمومی است (مصفا، ۱۳۷۵، ۳۳). شکل نهادی و سازمانی

سیستم دادگستری در حل مشکل جرم و ناامنی بر همگان معلوم شده است (فراسا، ۲۰۰۱، ۳۷). این واقعیت و همچنین هزینه‌های هنگفت اقدامات سرکوب‌گرانه، سیاست‌گذاران را به استفاده از تدابیر پیشگیرانه وادار ساخته است. اقدامات پیشگیرانه نیز در طول زمان کارآمدی خود در پیشگیری از جرم و حل مشکل جرم و ناامنی نشان داده‌اند.

اما موفقیت در امر پیشگیری از جرم، مستلزم تهیه برنامه‌های منسجم و مدبرانه است که تدوین آنها باید فرایندی معینی را طی کند. افزایش جرائم و نگرانی‌های روزافزون از اقدامات ضداجتماعی از یکسو و محدودیت‌های منابع و ناتوانی‌های دولت در پیشگیری و کنترل جرائم از دیگر سوی موجب پیدایش گرایش‌های نوینی در این زمینه شده است. در این گرایش‌های نوین، حتی بر خرد جمعی و تکیه بر اخلاق مدنی به جای اخلاق صادر شده از سوی دولت تأکید بیشتری می‌شود. به عبارت دیگر، پایبندی به این گونه قواعد نیازی به مداخله دولت و قانون ندارد و انسان در وجدان خویش، آنان را محترم و لازم‌الاجرا می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۳۴۵). از این جهت، واگذاری بخش قابل توجهی از پروژه‌ی پیشگیری و کنترل جرائم به بخش خصوصی امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

امروزه در نزد اغلب اسناد بین‌المللی و به تبع آنها در بسیاری از نظام‌های حقوقی داخلی رویکردهای متمایل به سیاست جنایی مشارکتی با استقبال روزافزونی مواجه شده است. این رویکردها عموماً دایرمدار مسائلی از قبیل کاهش قدرت نظام کنترل رسمی و تقویت نقش جامعه مدنی در کلیه

این مشارکت در حقیقت به معنای فعال شدن نهادهای ناظر در جامعه اسلامی است که تحت عنوان جامعه مدنی از آنان یاد می‌شود. نظارت بر کلیه تصرفات دستگاه‌های دولتی یکی از ابعاد این نظارت و مشارکت است (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ۱۹۷). فلسفه مشارکت و تعاون و دخالت مردم در امور مختلف جامعه در اندیشه اسلامی به دلیل اهمیت حفظ مصالح عمومی و اهتمام به امور مسلمین است. زیرا از رسول گرامی اسلامی روایت شده است که می‌فرماید: «هرکسی که، صبح کند و اهمتامی به امور مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۳۶۳، ۲، ۱۶۴). بدین ترتیب توجه به تعاون و مشارکت و فراهم کردن شرایط برای حضور افراد جامعه در عرصه‌های مختلف، دارای مبنای قرآنی و فقهی است که می‌تواند در عرصه سیاست جنایی مشارکتی نیز کاربرد داشته باشد.

۵-۱. ترس از جرم و شکست عدالت کیفری

سنتی

جرم و ترس از جرم از دغدغه‌های رایج در جوامع مختلف است. تدابیر مختلف در طول زمان برای برخورد با جرم و بی‌نظمی اتخاذ شده است. جز معدودی از کشورهای اسلامی که به تبعیت از سیستم جنایی اسلام توجه قابل توجهی به تدابیر متنوع پیشگیرانه داشته‌اند، در سایر ملل، این تدابیر صبغۀ واکنشی و سرکوب‌گرانه داشته و به شکل مجازات ظاهر و از طریق سیستم عدالت کیفری اعمال می‌شده است. در دهه‌های اخیر ناتوانی

فرایندهای حقوقی مطرح می‌شود. در واقع، جان کلام استدلال این رویکردها بر مشارکت مردم در نظام حقوقی و تقویت جایگاه آنان در فرایندهای حقوقی است (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱).

تجربه نظام عدالت کیفری رسمی و عدم توفیق آن در مبارزه با جرایم و انحرافات نشان می‌دهد که تکیه صرف بر تدابیر کیفرمدار و نظام کنترل رسمی در بلندمدت نخواهد توانست معضل پدیده جنایی را تدبیر نماید. مسبوق به چنین التفاتی امروزه رویکردهای مشارکتی و جامعه‌مدار از چنان اعتبار و قابلیت برخوردار گشته‌اند که بی‌توجهی بدان‌ها دیگر به آسانی مقدور نیست و بر این اساس است که مشاهده می‌کنیم این رویکردها در بسیاری از رژیم‌های حقوقی مختلف انعکاس عینی یافته‌اند. در این بین کشورهای ایران و آمریکا از جمله کشورهای هستند که متناسب با رویکردهای خاص خود و به فراخور شرایط اجتماعی و قضایی موجود در جامعه، به دنبال مشارکتی‌سازی نظام عدالت کیفری بوده و تدابیر مختلفی را در این زمینه مورد اقتباس قرار داده‌اند، هرچند که رویکرد و رویه و کارنامه آنها در این حوزه تفاوت‌های محسوسی دارد (جفرسون، ۲۰۱۳، ۱۵۲).

۵-۲. نظریه مردم‌مدار شدن سیاست جنایی

نظریه مردم‌مداری یا مردمی‌سازی حقوق کیفری و سیاست جنایی، نظریه‌ای میانه‌رو و معتدل در قلمرو علوم جنایی است که از حضور و مداخله مردم در کلیه فرایندهای کیفری به عنوان شرط توفیق، تعالی و موفقیت یاد می‌کند. وقتی حقوق

داعیه تأمین امنیت مردم را دارد، مطلقاً نمی‌تواند به نظرات و توقعات خود مردم بی‌توجه و بی‌اعتنا باشد. این نکته مهمی است که جانمایه نظریه مردمی‌سازی سیاست جنایی و حقوق کیفری را تشکیل می‌دهد. شکل‌گیری و ظهور سیاست جنایی مشارکتی و به تبع آن افول سیاست کیفری اقتدارگرا و سرکوب‌گر و وانهادن روش پیشگیری مبتنی بر کیفر محض، از دیگر مبانی مسلم شکل‌گیری راهبرد مشارکتی‌سازی پیشگیری از جرم و نظام عدالت است (محبی، ۱۳۹۳، ۱۱). مشارکتی‌شدن سیاست جنایی بیانگر نقش و جایگاه مردم و نهادهای اجتماعی و غیردولتی در فرایند کیفری است. در این رویکرد، دیگر نهاد عدالت کیفری، تنها مرجع پاسخگویی و حل اختلاف نیست، بلکه از ظرفیت نهادهای مردمی و جامعه‌ی نیز در این زمینه استمداد می‌شود. با مشارکت مردم در فرایند کیفری، شاهد احترام به اراده مردم خواهیم بود که نتیجه آن افزایش اعتماد عمومی به دستگاه عدالت کیفری و کاهش ارتکاب جرم است. عنصر پیشگیری بیش از سایر عناصر، به وضوح لوازم و اقتضات یک سیاست جنایی منسجم و پویا را تداعی می‌نماید که می‌توان جملگی آنها را در شاخص مداخله کلیه ارکان و اجزاء نظام اجتماعی خلاصه نمود (گارلند، ۲۰۰۲، ۴۴). در واقع مشارکت وسیع مردم و نهادهای اجتماعی در برنامه پیشگیری از جرم در بستر سیاست جنایی مشارکتی، امروزه با رشد فزاینده و روزافزون ناهنجاری‌های اجتماعی و جرایم و عدم کارایی روش‌های سنتی مبارزه با جرم به عنوان

یکی از موضوعات مهم و قابل توجه در قلمرو سیاست جنایی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، زیرا پیشگیری از وقوع جرم می‌تواند در تأمین امنیت فردی و اجتماعی بسیار مفید و مؤثر باشد.

۳-۵. توان‌افزایی جامعه مدنی در سیاست

جنایی مشارکتی در ایران

مشارکتی‌سازی پیشگیری از جرم و نظام عدالت در کشور ایران در ابعاد متعدد در حال شکل‌گیری است. دولت می‌تواند با تقویت و کنترل آن در قالب یک برنامه ملی آن را تکامل بخشیده و ابعاد نوینی بدان بیفزاید. گام اول در سیاست جنایی مشارکتی این است که بتواند زمینه‌ساز مشارکت مردم در کاهش جرایم اجتماعی باشد. برخی از محققان نیز بهره‌گیری از رویکرد مشارکتی برای مقابله با جرایم اجتماعی را به دلیل رویه اجتماع‌محور و مردمی آن مورد توجه قرار می‌دهند. زیرا از نظر آنان، یکی از اهداف اصلی کیفی‌های اجتماع‌محور همچنان که از نام آن پیداست اجرای کیفی در بستر جامعه است. این امر بر دو عنصر اعتماد و مشارکت اجتماعی مبتنی می‌باشد (زینالی، ۱۳۸۷، ۳۵). با این حال، علی‌رغم این توصیه‌ها و رویکردها، نگاهی به قوانین و مقررات موجود و از جمله قانون پیشگیری از جرم نشان می‌دهد که در سیاست جنایی ایران مشخصاً الگوی مشارکتی‌سازی پیشگیری از جرم و نظام عدالت در قلمرو منطق و تصمیم‌مقنن قرار نگرفته و اساساً جز در برخی موارد معدود حتی به امکان ایفای نقش بخش‌های مردمی و مدنی جامعه در امر

مقابله با جرایم هم اشاره خاصی صورت نگرفته است. در ایران قانون مدونی برای پیشگیری مشارکتی شده از جرم وجود نداشته و نهادهای موجود هم به سادگی پذیرای بسط این گفتمان نیست. با این وجود برخی از مهم‌ترین مبانی و مستندات قانونی دیگر آن به شرح ذیل قابل بیان می‌باشند:

۳-۵-۱. قانون اساسی

مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنگاه که از روش حکومت‌داری سخن می‌گوید صراحتاً بر لزوم مشارکت مردم در امور مختلف و سرنوشت خود تصریح نموده است. در این مقدمه نیل به تعالی و رشد دادن ابعاد وجودی انسان و سیر بسوی تعالیم و آموزه‌های خدایی در گرو حضور و مشارکت فعال همه عناصر اجتماع و مردم تلقی شده که خود گویای تأکید قانون اساسی بر توجه به ظرفیت‌های مدنی در سیاست‌گذاری‌های کلان اجتماعی در جامعه است. در این باره می‌توان به قانون اساسی اشاره نمود که پشتوانه مستحکمی برای مشارکت مردم در مراحل مختلف تصمیم‌گیری در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی است و شرایطی را فراهم نموده تا در بستر آن، مسیر تکامل انسان برای رشد و ارتقا مهیا گردد (طاهری، ۱۳۹۵، ۵). بدین ترتیب، یکی از جلوه‌های محسوس توجه به توان مردمی، همین مقوله پیشگیری از جرم است که هرگونه سیاست‌ورزی در راستای بسط آن از همراهی با آموزه‌های قانونی اساسی حکایت خواهد کرد. بند هشتم اصل سوم قانون اساسی هم صراحتاً بر مسأله

مشارکت مردم در متن سیاست‌های اجتماع تأکید و تصریح نموده است.

۵-۳-۲. سیاست‌های کلی نظام

از جمله اسناد فرائقینی در حقوق ایران، سیاست‌های کلی نظام می‌باشند که اعتباری پایین‌تر از قانون اساسی و فراتر از کلیه قوانین و مقررات عادی دارند. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به سیاست‌های کلی نظام در زمینه مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۸۵ اشاره کرد که صراحتاً بر حضور و مشارکت مردم در فرایند مقابله با آسیب‌های اجتماعی صحنه‌گذار است. بندهای چهارم و هشتم این سند صریحاً به مقوله پیشگیری از جرم به مدد تمامی تدابیر اعم از دولتی و غیردولتی اختصاص یافته است. بی‌شک، پیشگیری غیردولتی همان مفهوم پیشگیری مشارکتی از جرم و انحراف را تداعی می‌کند که با ادبیاتی صریح و روشن مورد تأکید و پذیرش سندی در سطح سیاست‌های کلی نظام قرار گرفته است.

۵-۳-۳. قوانین و مقررات عادی

از جمله مهم‌ترین قوانین عادی یا فروتقنینی در حوزه پیشگیری مشارکتی از جرم و خصوصی‌سازی رویکرد نظام پیشگیری می‌توان به قوانین توسعه اشاره نمود که مکرراً بر استفاده از ظرفیت‌های مردمی و غیردولتی در امر مبارزه با آسیب‌های اجتماعی و جرایم تأکید نموده‌اند. بطور مثال در ماده ۹۷ برنامه پنج‌ساله چهارم دولت موظف به

تهیه طرح جامع کنترل آسیب‌های اجتماعی شده بود که در بطن آن به بهره‌گیری از توان مردمی و غیردولتی اشاره شده بود. یا مثلاً بند (و) ماده ۹۸ اشعار داشته بود که برای توسعه در کشور باید طرح جامع نظارت و مشارکت مردم در امور اجتماعی تهیه و تنظیم شود. مشارکتی‌سازی پیشگیری از جرم و نظام عدالت مفهومی مرتبط با چنین الزاماتی قانونی بوده که شاید فقط در حد لفظ و واژگان در حقوق ایران ناشناخته باشد، اما به لحاظ مبانی و موقعیت دارای استحکام و ریشه‌های نظری عمیق است. قانون مهم دیگر همان قانون پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد که صراحتاً و در مواد ابتدایی خود بر ضرورت حمایت از مردم و نهادهای مردمی در سیاست‌گذاری‌های جنایی و اجرای طرح‌های پیشگیرانه در سطح کلان در کشور اشاره نموده است. در این قانون به لزوم ایجاد زمینه و بستر لازم برای حضور و مشارکت نهادهای مردمی و انجمن‌های مردمی اشاره، اما روش و الگوی روشنی برای پیاده‌سازی این ضرورت بیان نشده است. در واقع، حکم کلی یعنی جلب مشارکت مردم بیان شده، اما مصداق و فرع اجرایی موضوع یعنی چگونگی جلب مشارکت و نحوه تقسیم مسئولیت میان دولت و بخش‌های غیردولتی و غیررسمی در امر پیشگیری از جرم مغفول مانده است. این واقعیت باعث شده است که قانون پیشگیری از جرم اندکی با بایسته‌های رویکرد مشارکتی‌سازی پیشگیری از جرم و نظام عدالت فاصله و دوری بگیرد. در واقع اساس نقش‌دهی به مردم به میزان پایبندی مسئولان که باید برای مردم زمینه‌سازی

جنایی مشارکتی تقویت می‌گردد و عدالت کیفری در تمام سطوح -به ویژه در حمایت از امنیت حقوقی خانواده‌ها- دستاوردهای موفقی بروز می‌دهد. رهنمودهای سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم (۲۰۰۲) به کارگیری ظرفیت نهادهای اجتماعی در پیشگیری از جرم را در زمره اصول ناظر به پیشگیری از جرم ابراز نمود و این «اصل‌شدگی» بعدها در سیر تحول علوم جنایی و کیفرشناسی بازپرورانه، در اصطلاحات و مفاهیمی همچون «حق بر کیفرنشدن» و «عدالت کیفری توافقی» نضج و تکامل یافت و می‌یابد.

سیاست جنایی تقنینی ایران دربردارنده قوانین و مقرراتی در همین راستا است. به موجب قسمت «۱» بند «ت» ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج‌ساله ششم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۳۹۵) قوه قضائیه وظیفه دارد از خلال «...بهره‌گیری از مشارکت اجتماعی مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد...» به تهیه و تدوین برنامه جامع پیشگیری از وقوع جرم و ارتقای سلامت اجتماعی اقدام نماید. گرچه، ضعف تدابیر تقنینی و قضایی و اجرایی نظم موجود بر سیاست جنایی ایران، این ظرفیت را به استفاده بهینه نرسانده است. چه، تاکنون سیاست جنایی مشارکتی، از حد گفتمان علمی و ترویج پراکنده اجتماعی، به حد تدوین و تصویب یک سند حقوقی در قالب قانون به نحوی که ساختار منسجمی از نظام بایسته‌ی مشارکت‌گری مردم در سطوح مختلف عدالت کیفری رسمی و غیررسمی را دقیقاً و به طور منقح مشخص کند نرسیده است. کنش‌گری نهادهای

نمایند برمی‌گردد و در این موضوع نیز می‌تواند از جمله دغدغه‌های اجرایی و عملی مردم در این زمینه باشد چرا که با تغییر دولت و تغییر نگرش آنها در ضرورت میزان مداخله مردم در امور مربوط به خودشان همواره این جایگاه مهم را با فراز و نشیب‌هایی پی در پی مواجه می‌سازد، اما نباید این دغدغه مهم را به عنوان مانع تلقی و از اصل استراتژیک مشارکت مردم دست برداشت، بلکه باید با تلاش فراوان و روزافزون بسترهای مناسب را ایجاد و یا بهبود بخشید (جمشیدی، ۱۳۹۰، ۲۰۷). توجه به سیاست و قوانین عادی در واقع یکی از نشانه‌های نقش‌آفرینی جامعه مدنی در شکل‌گیری سیاست جنایی مشارکتی است که در نهایت می‌تواند از بار دولت کاسته و زمینه را برای مداخله مردم و واگذاری امور به آحاد جامعه فراهم نماید. به عبارت دیگر، کاهش مداخله دولت در برخی امور باعث مداخله بیشتر مردم در اداره امور می‌شود.

۵-۳-۴. مقررات و لوایح قضایی

در این زمینه، ظرفیت «دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه» در تقویت راهبرد کنونی سیاست جنایی مشارکتی قابل بحث است. افزایش بهره‌جویی از توان نهادهای اجتماعی -به ویژه سمن‌ها- برای کنترل کجروی‌های و جرایم، از اهداف راهبردی سیاست جنایی است. چنانچه فرآیند پیشگیری و واکنش رسمی به انحرافات خطیر و جرایم، از پتانسیل‌های نهادهای اجتماعی به موازات استفاده از امکان‌های کنشگران رسمی نظام عدالت کیفری متمتع شود، سیاست

اجتماعی در عرصه سیاست جنایی می‌تواند از مهم‌ترین اقدام به شمار آید.

«دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه» در ۱۳۹۸/۱۱/۲۷ توسط رئیس قوه قضاییه «به منظور توجه نظام‌مند، پایدار و دانش‌بنیان به ظرفیت‌ها و توانمندی نهادهای مردمی برای مشارکت در زمینه‌های سیاست‌گذاری قضایی، پیشگیری از وقوع جرم، حمایت از بزه‌دیدگان، میانجی‌گری و صلح و سازش، نظارت بر اجرای قوانین، رسیدگی و بازاجتماعی شدن متهمان و مجرمان» تصویب و ابلاغ شد. این دستورالعمل، بهره‌مند از گفتمان مشارکت‌مدارانه نسبت به قوانین و مقررات ناظر به وظایف قانونی قوه قضاییه در تنظیم سیاست پاسخ به جرایم و کنترل پیشگیرانه‌ی آنها است؛ قلمرو مهمی معطوف به تقویت هم‌افزایی نهادهای قضایی با نهادهای اجتماعی در اجرای سیاست جنایی قضایی مشارکتی. این دستورالعمل که دارای پنج فصل، ۵۴ ماده و ۱۸ تبصره است در فصل چهارم جنبه‌های مختلف مشارکت نهادهای جامعه‌ی در زمینه‌های کنش (پیشگیری از جرم) و واکنش (کیفرگذاری و کیفرگزینی) نسبت به پدیده مجرمانه را بروز داده است تا شاخص اجتماعی‌گری و مدنیت مجموعه قوه قضاییه را تقویت کند و عدالت کیفری را با کنشگران اجتماعی آن، بهتر بسازد.

به موجب ماده ۱۶ دستورالعمل، معاونت پیشگیری از جرم قوه قضاییه تکلیف یافته است تا در فرآیند تهیه و تدوین «برنامه جامع پیشگیری از وقوع جرم

و ارتقای سلامت اجتماعی» از «...ظرفیت علمی تخصصی و اجرایی نهادهای مردمی...» استفاده کند. جرایم علیه کیان خانواده -و به طور خاص، خشونت خانگی- از جمله جرایمی هستند که اکتفا به عدالت کیفری رسمی و محدودشدن به شکایت و دادرسی و مجازات زن یا مرد خانواده، بخش ناچیزی از عدالت قابل تحقق را محقق می‌سازد و چه بسا ستم جدید به ظلم‌ها و مظلومیت‌های خانواده‌های بزه‌خیز و بزه‌زده و آسیب‌یافته از جرایم خانگی بی‌افزاید. از این رو، تدابیر سیاست جنایی مشارکتی برای پیشگیری از جرایم علیه امنیت و کیان خانواده و پاسخ‌دهی کیفری به آن، حتما مورد نیاز است و دستورالعمل قضایی مورد بحث می‌تواند گامی در تقویت حمایت غیرکیفری قوه قضاییه از خانواده در برابر جرایم علیه هویت و شاکله و پایداری خانواده محسوب شود.

۵-۳-۵. نقش آفرینی نهاد خانواده در تقویت

سیاست جنایی مشارکتی

نهادهای اجتماعی و در مرکز آنها -نهاد خانواده- هم دارای این قابلیت‌اند که به حکومت در دستیابی به آمار جرایم -به ویژه، جرایم خاموش (رقم قرمز بزهکاری) از جمله خشونت و برخی دیگر جرایم در خانواده- در کشف تعداد جرم‌ها، شمار بزهکاران و بزه‌دیدگان و ویژگی‌های آنان و دیگر اطلاعات جرم واقع شده کمک کنند؛ و هم تحلیل علت‌شناسانه‌ی جرایم و معیارگذاری برای شناسایی اولویت‌های پیشگیری نقش ایفاء کنند. پایش جرم‌شناسانه‌ی ملی عوامل جرایم خانوادگی در ایران، اطلس جرایم

خانگی در ایران، نیاز پدیدنیافته‌ای است که همانا تقویت سیاست جنایی مشارکتی می‌تواند در تهیه آن کمک چشمگیری بکند تا با شناسایی مختصات دقیق انسانی و جغرافیایی و اقتصادی و فرهنگی و زیست‌جهانی جرایم علیه کبان خانواده، داده‌های آماری درستی برای سیاست‌گذاران به هدف تنظیم و اجرای مداخلات پیشگیرانه و پاسخ‌های کیفی موثر و هدفمند فراهم گردد. انجام این مهم آن چنان دارای اهمیت است که در بند ۱ ماده ۱۹ دستورالعمل، دادگستری‌های سراسر کشور وظیفه یافته‌اند تا از رهگذر هماهنگی با معاونت پیشگیری زمینه مشارکت نهادهای جامعه‌ای برای «جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و آمارهای موجود در خصوص وضعیت بزهکاری در مناطق مختلف مربوط» را فراهم آورند. به این ترتیب، در چارچوب دستورالعمل بستری برای به مشارکت گرفتن نهادهای جامعه‌ای ایجاد شده است تا با استفاده از ظرفیت آنها واقعیت‌های مجرمانه دقیق‌تر شناسایی شود.

در بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۹ دستورالعمل، دادگستری‌های سراسر کشور موظف شده‌اند با هماهنگی با معاونت پیشگیری قوه قضائیه زمینه مشارکت نهادهای اجتماعی برای «تعیین اولویت‌های پیشگیری از جرم بر حسب شاخص‌هایی مانند میزان پیشگیری‌پذیری، تأثیر تکوین سایر جرایم، فراوانی جرم و صدمات و آسیب‌های ناشی از آن، میزان حساسیت مردم و افکار عمومی...» و «شناسایی افراد در معرض خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی و آماج‌های پیشگیری از تکرار

جرم و بزه‌دیدگی با تأکید بر گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان و نوجوانان، زنان و ناتوانان ذهنی و جسمی» را فراهم سازند. با توجه به این که «در خشونت علیه زنان، بررسی سیاست جنایی مشارکتی با گذار از پاسخ‌های سرکوب‌گر صرف به پاسخ‌های توسعه‌محور، توجه هم‌زمان به پیشگیری با ارائه آمار و توسعه آموزش، پاسخ‌های جامعه‌ای در کنار مجازات‌های رسمی بدون توسل به فرایندهای قضایی اجتماعی بودن سیاست جنایی، لازمه غیرکیفری‌شدن پاسخ‌های نظام عدالت است» (عظیمیان و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۶). دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضائیه بستر کلی و چارچوب عامی را برای تقویت بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی در مسیر پیشگیری از خشونت‌های وخیم و پردادوفریاد خانگی و متضمن مخاطرات جانی مَهْلَک، فراهم می‌کند.

از دیگر سو، به موجب بندهای «الف» و «ب» ماده ۱۷ دستورالعمل، استفاده از ظرفیت نهادهای جامعه‌ای برای «توسعه نهضت آموزش حقوق و تکالیف به مردم با هدف ارتقاء آگاهی‌های مردم و نهادینه‌سازی فرهنگ احترام به قانون» و «ترویج و توسعه گفتمان‌های قضایی در قلمرو پیشگیری و مقابله با فساد، حفظ و احیاء حقوق عامه...» در زمره وظایف معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه و نیز دادگستری‌های سراسر کشور واقع شده است تا از این رهگذر، نقش نهادهای اجتماعی - به ویژه سمن‌ها - در پیشگیری فردمدارانه از جرایم مورد استفاده واقع گردد. «در حوزه ساختارهای

غیردولتی را به منظور رسیدن به تعداد زیادی از اشخاص تشویق و آسان‌سازی کنند. مزیت ارائه معاضدت حقوقی توسط بازیگران غیردولتی، هم‌چون مشاورین حقوقی، این است که خدمات آن‌ها می‌توانند نسبت به کارکردهای سنتی محدودتر بهتر باشند زیرا که معاضدت‌های حقوقی خاص‌تری را ارائه می‌کنند.

نظر به آن که بر اساس مواد ۶۲ و ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بزه‌دیدگان می‌توانند در صورت داشتن امکان نسبت به گردآوری دلایل و شناسایی میزان ضرر وارد شده اقدام نمایند و ایجاد این حق و این امکان برای قربانی جرم، واقعیت‌های بزه را زودتر و دقیق‌تر به مرجع انتظامی و قضایی نشان می‌دهد به همین جهت، در بند «ب» ماده ۲۰ دستورالعمل مورد بحث «مساعدت به بزه‌دیده در زمینه جمع‌آوری دلایل به منظور اثبات بزه‌دیدگی و تعیین میزان ضرر و زیان وارده...» در شمار همکاری نهادهای جامعه‌مدار گنجانده شده است تا بتوانند صدای زنان خاموش در درون خانه‌های خشونت‌زده و پستوی زندگی‌های زن‌ستیز و کودک‌ستیز قرار گیرند و امکان مداخله در بحران به قصد پیشگیری از تداوم بزه‌دیدگی از جرایم علیه کیان خانواده را فراهم سازند.

رویکرد پیش‌گفته، در بندهای «پ»، «ت» و «ث» ماده ۲۱ دستورالعمل نیز مورد سیاست‌گذاری قضایی واقع شده است؛ چه، وفق آن، کارگزاران قضایی و پیراقضایی وظیفه یافته‌اند از ظرفیت‌های نهادهای اجتماعی برای حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده یا در آستانه‌ی بزه‌دیدگی در

غیررسمی (غیردولتی) بیشترین آسیب ناظر به عدم اهتمام نظام قضایی برای بهره‌گیری از این ساختارها و اجازه پیگیری مستقیم دادن به موضوعات مختلف، نزد مراجع قضایی است. نظام قضایی در صورت تعامل با این ساختارهای غیررسمی می‌تواند بسیاری از ناکارآمدی‌ها را در حوزه احیای حقوق عامه برطرف سازد.» (غمامی، ۱۳۹۷، ۹۰).

همچنین در ماده ۲۰ دستورالعمل، امکان مشارکت نهادهای مذکور برای حمایت از بزه‌دیدگان خاص - قربانیان خشونت خانگی و دیگر جرایم علیه کیان خانواده نیز در همین زمره قابل احتساب‌اند - در سراسر فرآیند کیفری را به رسمیت شناخته است. مطابق این ماده «قضات و ضابطان دادگستری می‌توانند به منظور حمایت از بزه‌دیدگان خاص در فرآیند کیفری، در موارد زیر امکان ارائه خدمات آموزشی، مشاوره‌ای و حمایتی از سوی نهادهای مردمی را فراهم آورند». اثربخشی نظام معاضدت حقوقی بستگی دارد به تعداد و در دسترس بودن وکلای شایسته، بر اساس کیفیت آموزش‌های حرفه‌ای دیده شده، تعداد اموری که عهده‌دار آند، همکاری سایر بازیگران عدالت کیفری، آگاهی افراد در مظان اتهام از حقوقشان، منابع مالی در اختیار مؤسسات مسئول و انجام معاضدت حقوقی، از جمله هنگامی که یک قانون‌گذاری خاص در این مورد وجود دارد. برای این که معاضدت حقوقی اثربخش و پایدار باشد، دولت‌ها باید تقویت نهادهایی که مسئول آن‌ها هستند را مدنظر قرار دهند و مشارکت‌ها با ارائه‌دهندگان خدمات حقوقی

حوزه‌های شهری، شناسایی کانون‌های جرم‌خیز و آسیب‌زا و نیز مداخله در امر توانمندسازی و ارتقای سطح سواد شهروندان دارای فعالیت بوده و با برگزاری جلسات منظم به سیاست حضور نهادهای مردمی و غیردولتی در حوزه خاص پیشگیری از جرایم و آسیب‌های اجتماعی جامه عمل پوشانده‌اند. در این صورت نهادهای مزبور می‌توانند با حضور در عرصه‌های مدنی و مقابله با انحرافات اجتماعی، نمونه‌ای از رویکرد پیشگیری غیردولتی یا خصوصی باشند (رضایی، ۱۳۹۴، ۱۱).

۵-۴-۲. بهره‌گیری از نظام میانجی‌گیری

کیفری

میانجی‌گیری کیفری جلوه دیگری از مداخله جامعه مدنی در فرایند عدالت کیفری و گسترش نقش و نفوذ جامعه مدنی در حل منازعات انسانی است که هدف اصلی آن، کمک گرفتن از اقشار مختلف جامعه برای مهار و کنترل بزهکاری و کاستن از هزینه‌های عدالت کیفری است (عباسی، ۱۳۸۲، ۱۰۴). در همین راستا و در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری و ادعای آگاهی مسئولان قانونی و قضایی کشور در راستای ضرورت مشارکتی‌سازی تدابیر سیاست جنایی و استقبال از نهادهایی چون قضا‌دایی در امر رسیدگی به دعاوی و مهار نرخ اطاله دادرسی رسمی در محاکم، این امید شکل گرفته بود که بالأخره بواسطه وضع یک قانون پویا شاهد نفوذ اندیشه‌هایی چون عدالت ترمیمی در بطن جامعه حقوقی و قانونی کشور خواهیم بود. در واقع،

زمینه «شناسایی عوامل استثمار و بهره‌کشی از کودکان و نوجوانان و جمع‌آوری ادله جرم»، «شناسایی و جمع‌آوری ادله مرتبط با خرید و فروش و به کارگیری کودکان و نوجوانان به منظور ارتکاب اعمال خلاف قانون» و «شناسایی و جمع‌آوری ادله مرتبط با اشخاص، گروه‌ها و مؤسسات مرتکب قاچاق زنان و کودکان» استفاده کنند. این بندها در متن دستورالعمل، بیشترین ارتباط را با موضوع مقاله دارد و ظرفیت قابل توجهی در پیشگیری اجتماعی از جرایم علیه کیان خانواده دارد.

۵-۴-۴. نموده‌ها و جلوه‌های حداقلی گرایش به

سیاست جنایی مشارکتی در ایران

علاوه بر نموده‌های قانونی حداقلی، در شرایط کنونی جامعه و حقوق ایران می‌توان از جلوه‌هایی نسبی و عینی نیز در عرصه مشارکتی‌سازی پیشگیری از جرم و نظام عدالت سراغ گرفت، هرچند محتوای آنها سرشار از نقص و کاستی است.

۵-۴-۱. اعطای نقش به شورایاری محلات

شورایاری‌های محلات که در کلانشهر تهران به نحو نسبتاً منضبطی ایجاد شده‌اند و وابسته به شهرداری‌ها می‌باشند، از جمله بارزترین نمادهای برون‌سپاری بخشی از تکالیف نظام عدالت رسمی در امر مقابله با علل جرایم و زمینه‌سازی برای توسعه حضور بخش خصوصی در عرصه پیشگیری از جرم می‌باشند. این شوراها در سطوحی چون ایفای نقش در ساماندهی مناطق متروک شده در

صحبت از پذیرش مبانی، مفاهیم و مؤلفه‌های عدالت ترمیمی یکی از امیال و شعارهای طراحان قانون جدید آیین دادرسی کیفری است که تأمل در فصول مختلف آن و بخصوص مواد ۱، ۸۲ و ۸۳ آن، و نیز مواد مختلف آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری مصوب آذرماه ۱۳۹۴، ابعاد واقع‌گرایی آنها را در این زمینه شفاف خواهد ساخت.

مقنن اسلامی در ماده (۱) قانون جدید آیین دادرسی کیفری که به تعریف و قلمروشناسی آیین دادرسی اختصاص یافته است، مقرر نموده: «آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم و بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود». در این ماده، مقنن صریحاً به «میانجی‌گری» و «صلح میان اصحاب دعوی» به عنوان یکی از ابعاد و اهداف مجموعه مقررات آیین دادرسی کیفری اشاره کرده است. بنابراین، وفق این ماده مسلم می‌نماید که قانون جدید به یکی از روش‌ها و قلمروهای فلسفه فکری عدالت ترمیمی یعنی تلاش برای سازش میان طرفین دعوی و مداخله میانجی‌گرانه فی‌مابین آنها توجه داشته است.

خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آن‌ها به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع کند. مدت میانجی‌گری بیش از سه ماه نیست. زمان تعیین شده در این ماده در صورت اقتضا فقط برای یک بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرائم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضایی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورات موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم، بنا به درخواست شاکی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد».

۵-۵. موانع فراروی مشارکتی‌سازی فراگیر

سیاست جنایی در ایران

در ادامه بر این محمل در ماده (۸۲) هم آمده است: «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی

موانع چندی اجازه نمی‌دهد بتوان در ایران از مشارکتی‌سازی پیشگیری از جرم و نظام عدالت سراغ گرفت. یکی از این موانع حضور چشمگیر و عمده نهادهای وابسته به حاکمیت و نظام

در ادامه بر این محمل در ماده (۸۲) هم آمده است؛ «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی

دادگستری رسمی در امر مقابله با جرم است. در ایران اقتدار اصلی برای مواجهه با جرایم در اختیار قوه قضاییه و مراجع رسمی در معیت آن است. این در حالی است که اندیشه خصوصی سازی مقتضی آن است که حدی از این اقتدار کاسته شده و بخش خصوصی بتواند عملاً در پیاده شدن وظایف قوه قضاییه مداخله حقیقی و اجرایی داشته باشد. چنین امری با توجه به تصریح قانون اساسی به اینکه مرجع اصلی رسیدگی به تظلمات و فصل خصومت دادگستری است، عملاً با چالش و خلأ بسترشناختی مواجه است. مانع دیگر، ضعف نظام اقتصادی حاکم بر جامعه ایران است. اگر بنا باشد نهادهای مدنی و خصوصی بتوانند به قوه قضاییه در امر پیشگیری از جرم مدد رسانند باید از بودجه و منابع مالی لازم برخوردار باشند، این در حالی است که در شرایط فعلی قوه قضاییه حتی در تأمین مایحتاج روزمره خود در مانده بوده و نتوانسته است از نظام بودجه سراسری کارآمدی هم برای خود برخوردار گردد. نمی توان بدون تعریف منابع و تمهید مقدمات امر، به یکباره روی به سیاستی چون پیشگیری از جرم خصوصی شده آورد. شتاب در این عرصه هرگز نتیجه معقولی رقم نخواهد زد (شکوری، ۱۳۸۸، ۱۶۱).

در جامعه ما اعمال نمود. بطور کلی، اجرای موفق سیاست مشارکتی سازی پیشگیری از جرم و نظام عدالت مستلزم تغییر در مدل سیاست جنایی، محدودسازی قلمرو مداخله دولت و نهادهای رسمی در امر مقابله با جرم در جامعه و تعریف یک رژیم اقتصادی و مشارکتی پویا برای همکاری بخش های خصوصی اجتماع و نظام قضایی حاکمه است. این در حالی است که برون سپاری وظایف قوه قضاییه در ایران در سطوحی چون پیشگیری از جرم علاوه بر موانع ساختاری و اجرایی با مشکلات، ابهامات و تناقضات ناشی از قانون اساسی نیز مواجه بوده به نحوی که به نظر می رسد اساساً محتوای قانون اساسی نمی تواند پذیرای امکان اجرای سیاست مشارکتی سازی پیشگیری از جرم و نظام عدالت باشد.

۶. نتیجه

نظام عدالت کیفری سنتی و رسمی عمدتاً در مهار پدیده جنایی نتوانسته است به تنهایی موفقیت های قابل اعتنایی کسب نماید. پاسخ شایسته و پیشگیرنده به جرم و انحراف مستلزم حضور نهادها و ساختارهای مدنی و اجتماعی در کنار تأسیسات و ابزارهای کیفری است. نفوذ گفتمان مشارکتی و چندنهادی شدن عدالت کیفری و سیاست جنایی حاکم بر جامعه می تواند به توسعه و ارتقای سطح کیفیت تدابیر اتخاذی در مقابله با جرایم و کاهش هزینه های اختصاصی جامعه در این عرصه کمک نماید. تجربیات ناموفق عدالت کیفری کلاسیک و حتی عقیده بر شکست آن به موازات رهنمودهای

به طور کلی، برخی از موانع ریشه در ساختار دولتی و رسمی حقوق ایران دارند و برخی دیگر هم جنبه ارزشی دارند. گاهی اوقات ملاحظات ایدئولوژیکی موجب می شود تا نتوان در بسیاری از موارد، توصیه های مبتنی بر نظریه های جرم شناختی را در راستای توسعه سیاست پیشگیری مشارکتی از جرم

بستر نظام حقوق کیفری و سیاست جنایی ایران نیست و به لحاظ مبانی قانونی این رویکرد هیچگونه تضاد و تناقضی هم با ساختار نظام حقوقی ایران و مبانی اسلامی آن ندارد. فقط بستر و مقدمات باید به نحوی مطلوب ایجاد شود که تاکنون چنین مهمی چهره واقعیت به خود نگرفته است.

۷. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله در مراحل مختلف نگارش مقاله مشارکت داشته و با همکاری یکدیگر آن را به رشته تحریر درآورده‌اند.

۸. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی دیده نمی‌شود.

جهانی شکل‌گرفته در حوزه ضرورت بهره گرفتن از سیاست‌هایی چون خصوصی‌سازی پیشگیری از جرم موجب تجربه الگوهای نوینی برای سیاست جنایی جوامع شده است، که الگوی مشارکتی شدن کارآمدترین و مقبول‌ترین آنهاست. سیاست جنایی مشارکتی ضمن شناسایی نقاط ضعف و چالش‌های فراروی نظام کیفری کلاسیک، به دنبال این می‌باشد که این مسأله را برجسته نماید که اگر در کنار ابزارهای فعلی حقوق کیفری در ابعاد و سطوحی محسوس برای مداخله و مشارکت جامعه مدنی نیز نقش قائل شود بدون شک در مهار پدیده جنایی می‌توان شاهد نتایج ارزشمندی بود. در این رویکرد، دیگر نهاد عدالت کیفری، تنها مرجع پاسخگویی و حل اختلاف نیست، بلکه از ظرفیت نهادهای مردمی و جامعه‌ی نیز در این زمینه استمداد می‌شود.

در حقوق کیفری ایران با وجود ایجاد زمینه‌های و جلوه‌های حداقلی نظیر استفاده از نهادهایی چون میانجی‌گری، اعطای صلاحیت‌های جزئی به مراجع شبه قضایی و وابسته به بخش خصوصی در اجرای تدابیر پیشگیرانه، نمی‌توان گفت که رویکرد غالب سیاست جنایی ایران به اندیشه مشارکتی شدن گرایش دارد. حضور حداکثری قوای رسمی و دولتی و ضعف بسترهای نظری و عملی از جمله مهمترین چالش‌های فراروی نظام حقوقی ایران در بهره گرفتن مطلوب از آثار و کارکردهای الگوی سیاست جنایی مشارکتی می‌باشند. البته وجود این موانع، هرگز به معنی منتفی بودن مطلق امکان و احتمال مشارکتی‌سازی تدابیر کیفری و جرم‌شناختی در

منابع

- قرآن کریم
- جمشیدی، علیرضا، سیاست جنایی مشارکتی، چاپ نخست، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- رضایی، محمدعلی، «نقش نهادهای مردمی در پیشگیری از جرم»، فصلنامه مطالعات حقوقی، شماره بیست و سه، ۱۳۹۴.
- زینالی، امیر حمزه، «سرمایه اجتماعی: بستری برای اعمال کیفرهای اجتماع محور در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره شصت و چهار، ۱۳۸۷.
- شفیعی، سید محمد فرخ، گلخندان، سمیرا، کونانی، سلمان، «رویکرد سیاست جنایی در حمایت از حقوق اساسی ملت با تأکید بر مداخله دولت (حکومت) و جامعه مدنی»، فصلنامه حقوق خصوصی و کیفری، شماره چهل و دو، ۱۳۹۸.
- شکوری، محسن، مشکلات و چالش‌های عملی فراروی توسعه مشارکت مدنی در حقوق ایران، چاپ دوم، تهران، راه حق، ۱۳۸۸.
- طاهری، محسن، محشای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ نخست، تهران، نشر جنگل، ۱۳۹۵.
- عباسی، مصطفی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی میانجی‌گری کیفری، تهران، نشر گیتی، ۱۳۸۲.
- عظیمیان، عسل، شاملو، باقر، مهدوی ثابت، محمدعلی، مهرا، نسرین، «پراگماتیسم سیاست جنایی مشارکتی در قبال خشونت علیه زنان»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره سیزدهم، شماره دو، ۱۳۹۶.
- عمید زنجانی، عباسعلی، کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
- غمامی، سید محمد مهدی، «الگوی احیای حقوق عامه با تحول در نظام هنجارهای و ساختارهای قضایی»، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره پانزدهم، شماره پنجاه و هشت، ۱۳۹۷.
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد اول، شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۷۷.
- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، مصحح: علی اکبر غفاری، جلد دوم، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- کونانی، سلمان، آماده، غلامحسین، «منطق و روش عدالت ترمیمی در مواجهه با بزهکاری؛ (از تصویرسازی دمکراسی جنایی تا نگاهی انتقادی به قانون آیین دادرسی کیفری)»، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی و قضایی، سال اول، ۱۳۹۷.
- محبی، محمدتقی، تحولات سیاست جنایی مشارکتی، تهران، نشر نو، ۱۳۹۳.
- مصفا، نسرین، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
- مطهری، مرتضی، آینده انقلاب اسلامی ایران، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.

منابع لاتین

- Frase, R. Comparative perspectives on sentencing policy and research, from: sentencing and sanction in western countries, by Tony & Frase, New York, Oxford University Press, 2001.
- Jeferson, M.A. Criminal Policy and Modern Society, 3th edition, London, Mcmillan prees, 2013.
- Garland, D. Criminal Policy and Society, New York, HPC Pess, 2002.

- منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه: صلواتی، جلد اول، تهران، انتشارات سرایی، ۱۳۷۹.
- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، میزان، ۱۳۹۳.